پیشخوان

زائر خضرخان اهرمی در آیینه یک اثر نو انتشار

نمادی از جنبش جنوب ایران

محمدرضا کائینی

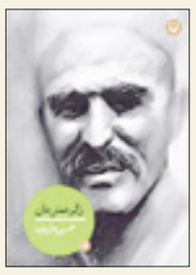

در دفتری که یکی از حلقه‌های مجموعه «شخصیت‌های مانا»ی انتشارات سوره مهر است، به زندگی و زمانه شادروان زائر خضرخان اهرمی، از رهبران نامور جنبش جنوب پرداخته شده است. نام خضرخان در این جنبش، بیشتر در حجاب معاصرت با شخصیت‌هایی چون رئیسعلی دلواری مانده و درباره آن تا پیش از سامان‌یافتن این دفتر، پژوهش مبسوط و مستقلی صورت نگرفته است. حسین هژبریان مؤلف این اثر، در باب چندوچون پژوهش خویش درباره این موضوع، چنین آورده است:

«بیشترین موفقیت واسموس آلمانی، در متحد ساختن خوانین در تنگستان رخ داد، جایی که رئیسعلی خان دلواری، شیخ‌حسین‌خان چاه‌کوتاه و زائر خضرخان اهرمی، بر سر مبارزه با قوای انگلیس و بیرون راندن آنان از بوشهر توافق کردند. احساسات ضداجنبی این خوانین و خاطره ناخوشایندی که از دخالت‌های گاه و بی‌گاه این کشور در جنوب ایران داشتند، آنها را در این مبارزه مصمم ساخت و در ادامه به کازرون سرایت کرد و سپس به مبارزه ایل قشقایی به رهبری صولت‌الدوله، با انگلستان انجامید. در میان شخصیت‌های مؤثر در جنبش جنوب ایران، از جمله رئیسعلی دلواری، شیخ‌حسین چاه‌کوتاهی، تحقیق مبسوطی راجع به زائر خضر خان اهرمی به چاپ نرسیده است. این کوتاهی، نگارنده را بر آن داشت تا با بررسی مجدد اسناد و منابع مرتبط، زندگی این شخصیت بزرگ را که تا حدودی در سایه سایر سران جنبش جنوب واقع شده است، بررسی کند. از اطلاعات شفاهی که بعدها مکتوب شده است، می‌دانیم وی با توجه

زنده‌یاد زائر خضرخان اهرمی

به موقعیت پدرش، تحصیلات مقدماتی را سپری کرده و سپس مانند اکثر اهالی تنگستان، مجذوب مهارت‌های رزمی شده است. پس از ورود وی به جرگه خوانین منطقه جنوب ایران، اطلاعات بیشتری از وی موجود است و در پرتو این اطلاعات، می‌توان تا حدودی به شخصیت وی پی برد. برای بررسی فعالیت‌های زائر خضرخان، دو عرصه باید در نظر گرفته شود: نخست فعالیت‌های اقتصادی که مانند بیشتر خوانین منطقه وی نیز بدان علاقه نشان می‌داد. زائر خضرخان موفق گردید از طریق خرید و فروش کالاهای وارداتی، ثروت فراوانی بیندوزد که پشتوانه مناسبی برای رویکرد سیاسی‌اش فراهم می‌ساخت. دومین عرصه، موضع‌گیری‌های سیاسی بود که از ابتدای ورود زائر خضرخان در زمره خوانین جنوب، به برخورد وی با مداخلات سیاسی بریتانیا انجامید. زائر خضرخان به دلایل متعدد از جمله منش شخصی، تأثیرپذیری از روح آزادگی و مقاومتی که در میان اهالی تنگستان موج می‌زد و تقابل فعالیت‌های تجاری وی با سیاست‌های مداخله‌جویانه بریتانیا، به سوی مقابله با اقدامات این قدرت استعماری کشیده شد و از تبعات آن نهراسید.

در پژوهش حاضر با بررسی مجدد اسناد و تمرکز بر اسنادی که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است، جنبش جنوب از زاویه زندگی زائر خضرخان اهرمی واکاوی شده است. رخدادهای بخش اول که مربوط به دوره قبل از مبارزه با قوای متجاوز بریتانیا در جنگ جهانی نخست است و اعتنای چندانی بدان نمی‌شد، با بهره‌گیری از برخی اطلاعات بررسی شده است. مبارزات مربوط به جنگ جهانی اول نیز با تمرکز بر اقدامات زائر خضرخان ارائه گردیده است تا از افتادن به دام تکرار پرهیز گردد. این روند با تلاش برای فهم رخدادهای پس از جنگ و چگونگی مرگ زائر خضرخان که هنوز ابهاماتی درباره آن وجود دارد، ادامه یافته است. نگارنده امیدوار است انتشار این زندگینامه، فتح بابی برای انتشار آثاری دیگر باشد که مکمل کتاب حاضر گردند...»

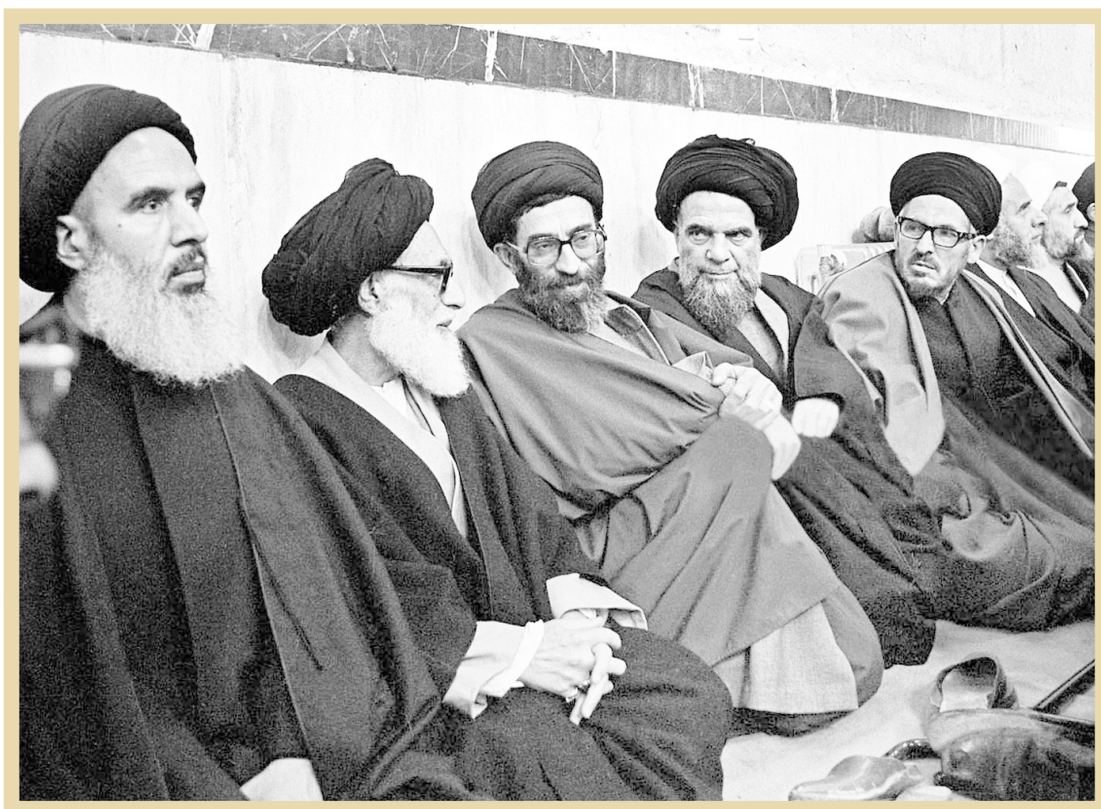

۱۳۵۹. حسینیه جماران، آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی در کنار آیات: سیدعلی خامنه‌ای و شهید سیدعبدالحسین دستغیب، در حاشیه دیدار با امام خمینی

سیره علمی و عملی زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین حسینی زنجانی در آیینه یادها و یادمان‌ها

تمامی همت او معطوف به تحقق «دنیای دینی» بود

احمدرضا صدری

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز رحلت عالم عامل و اندیشمند فرزانه، زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین حسینی زنجانی است. هم از این روی و در نکوداشت کارنامه آن بزرگ در عرصه علم و عمل و نیز حمایت مستمر از نظام اسلامی و رهبری معظم آن، سیره او را در آیینه روایت تنی چند از معاشران بازخوانده‌ایم. امید آنکه عموم علاقه‌مندان را، مفید و مقبول آید.

تلاش برای حل دغدغه‌های نسل جوان

آیت‌الله حاج‌شیخ مصطفی اشرفی شاهرودی، از تحصیل‌کردگان حوزه نجف و از علمای کنونی شهر مشهد به شمار می‌رود. وی که با زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین حسینی زنجانی، دوستی و مراوده نزدیک داشت، بارزترین وجه از تلاش علمی و فرهنگی آن بزرگ را تلاش برای حل دغدغه‌های نسل جوان و پاسخگویی به پرسش‌های آنان می‌داند که از احاطه به دو ساحت علوم عقلی و نقلی سرچشمه می‌گرفت، چنانکه خود آورده است: «همواره در تفکر بسیاری از عالمان دینی، بین فقه و فلسفه یک جور مسابقه وجود داشته است! زیرا بخشی از مسائل فلسفی، به نوعی به مسائل اعتقادی ربط پیدا می‌کنند که بسط آن به عهده روحانیت و مجامع دینی است. در گذشته فلسفه، از دروس رایج حوزه‌ها بود و در مقدمه و بسط درس خارج هم رایج بود، همچنانکه شمار بزرگان فلسفه و کلام هم در گذشته نسبت به امروز بیشتر بود. پدرم محضر آقابزرگ حکیم را درک کرده بودند و خود من هم، در محضر آقا سیدمحمدحسین و مرحوم ایسی، فلسفه خواندم و منظومه را تا بحث طبیعیات از محضر ایشان و آقای میرزا جواد تهرانی استفاده کردم، اما متأسفانه منفی‌بافی‌ها درباره گرایش به فلسفه، به‌قدری شدت گرفت که گرایش به این شاخه را معادل باطل و کفر گرفتند و به همین دلیل، بزرگانی چون مرحوم آیت‌الله میلانی به این عرصه وارد نمی‌شدند. لذا فقاهت، منحصر به فروع عملی مکلفین شد و دیگر بسیاری به فروع اعتقادی کاری نداشتند، در حالی که فقیه باید مباحث دینی، اعم از اعتقادی و عملی را بداند، به هر حال فلسفه مهجور شد. شهید آیت‌الله مطهری و اقران ایشان، برای رفع این مهجوریت، کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم را منتشر کردند که در عصر خود آثار مثبت فراوانی داشت. مرحوم آیت‌الله زنجانی هم اطلاعات فلسفی بالایی داشتند، اما شاید متأثر از این فضا، تمرکز خود را روی فقه و اصول گذاشته بودند. کلاس‌های درس بزرگانی چون آیت‌الله زنجانی، حاصل شش دهه تلاش علمی است و به این دلیل در این مسیر، پژوهش‌ها و بررسی‌های عمیق فردی را با مباحثه‌های علمی قوی با دیگران درآمیخته‌اند و بر بسیاری از شخصیت‌های علمی تفوق پیدا کرده‌اند. بزرگانی چون ایشان، با بیش از نیم قرن جهاد علمی، به واقعیت‌هایی از علم دست پیدا کرده‌اند و بدیهی است که علم و اطلاعات آنان با افرادی که تازه از گرد راه رسیده‌اند و چیز درستی هم از درس‌هایی که خوانده‌اند، درک نکرده‌اند، خیلی تفاوت می‌کند. این دروس، الهی هستند و با دروس دانشگاهی فرق دارند. با فراگیری دروس معرفت‌الله و دین رسول‌الله(ص) و اوصیای آن حضرت، یعنی ائمه هدی(ع)، تهذیب نفس، التزام به تقوا و نهایتاً اتصال به بارگاه الهی حاصل می‌شود، البته همه اینها، مقتضیات خودشان را دارند. از سوی دیگر نطفه پاک، لقمه پاک و تربیت پدر و مادر و دیدن اساتید بزرگ و قوی، در ساخته‌شدن شخصیت افراد مؤثرند. غیر از اطلاعات وسیع علمی، مهم‌ترین علت جذب بسیاری از اساتید و دانشجویان به آن بزرگوار، حسن خلق ایشان بود. مرحوم آیت‌الله زنجانی، به مباحث روز و مورد علاقه نسل جوان به‌ویژه دانشجویان، اشراف داشتند که باعث جاذبه ایشان می‌شد، اما از همه مهم‌تر، محبت و خوش اخلاقی ایشان، دلبستگی عمیقی را نسبت به ایشان، در جوانان ایجاد می‌کرد...»

وقتی کسی که به او سوءقصد کرده بود، برای عذرخواهی به نزدش آمد...

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدباقر حسینی زنجانی فرزند آیت‌الله سیدعزالدین حسینی زنجانی، از سیره علمی و عملی پدر خاطراتی شنیدنی دارد. وی که در واپسین دهه‌های حیات آن بزرگ، با وی ملازم بوده و مسئولیت بسا برنامه‌های وی را برعهده داشت، گزارشی از سیره و برنامه روزانه پدر به دست داده که می‌تواند در شناخت بیشتر آن دانشور فرزانه، مفید و روشنگر باشد:

دهه ۷۰. زنده‌یاد آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی

حجت‌الاسلام سیدمجتبی معاون‌زاده: «با اینکه یک رجل سیاسی آگاه بودند، ابداً به اینکه چه کسانی از منافع دنیوی بهره‌مند می‌شوند، توجه نمی‌کردند! سابقه زندان و تبعید داشتند، اما ذره‌ای گرفتار عناوین و القاب مربوط به آن نبودند. برای احیای دنیاداری دینی به زحمت افتادند، ولی هرگز گرفتار مطامع آن نشدند. با این همه به عنوان یکی از پیشگامان انقلاب و تأسیس نظام اسلامی، همواره از آن حمایت و در راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن، روز قدس و... حضور پیدا می‌کردند....»

«ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی حضرت امام به امامت جمعه زنجان منصوب شدند. در زنجان فردی با تفنگ ژ-۳، به جان ایشان سوءقصد کرد! چند سال بعد که او پشیمان شد و برای عذرخواهی آمد، مرحوم والد حتی به روی او نیاوردند و هرگز نخواستند از این واقعه، برای اثبات و کسب عنوان برای خودشان استفاده‌ای ببرند. ایشان قلباً به آموزه‌های دینی را تصدیق کرده و انصافاً در طول زندگی، زحمت کشیده و به خود ریاضت‌های شرعیه فراوانی داده بودند. ایشان واقعاً روی خودشان کار کرده بودند و حیات طیبه‌ای داشتند. هرگاه از موضوعی مکدر می‌شدیم و نزد ایشان شکایت می‌بردیم، آیه اِدْفَعْ بِالَّتِی هِی أَحْسَنُ یا أَصْلِحُوا ذاتَ بَینِکمْ را می‌خواندند، تا کمترین تکدر یا سوءتعبیری، بین افراد باقی نماند. همیشه یک تا دو ساعت قبل از نماز صبح، برای نماز شب بیدار می‌شدند و قنوت‌های مفصلی داشتند. ایشان اعتقادی به دعاها و اذکاری که در بعضی از ختم‌ها داده می‌شد، نداشتند و مقید به ادعیه مأثوره و از طریق اهل‌بیت(ع) بودند. ایشان همواره به تأمل و تدبر در صحیفه سجادیه تأکید داشتند. حتی اواخر در دفترشان و در شب‌های چهارشنبه، شرح صحیفه سجادیه را تدریس می‌کردند. همیشه می‌گفتند: این دعاها، مثل خود ائمه(ع) مظلومند و باید قرائت و تدریس شوند... ایشان همچنین به انس با قرآن، تأکید زیادی داشتند و بسیاری از سوره‌های قرآن را حفظ بودند و بر خواندن بعضی از سوره‌ها از جمله واقعه، مزمل، یس، نازعات، ذاریات و طلاق، مداومت داشتند. از امام علی(ع) وارد شده است که: در طول روز باید ۱۰۰ آیه قرآن خوانده شود. شب‌های جمعه هم سوره اسرا را می‌خواندند و می‌فرمودند: در مکارم‌الاخلاق آمده است هر کس بر خواندن این سوره در شب‌های جمعه مداومت داشته باشد، نمی‌میرد تا امام زمان خود را درک کند و اگر هم بمیرد، از یاران امام زمان(عج) خواهد بود... در یک کلام به اعتقاد بنده، قدر و منزلت واقعی ایشان، با توجه به آن سابقه علمی و بزرگانی که درک کرده بودند و سابقه خاندان ایشان - که بیش از سه قرن از مراجع تقلید بودند - واقعاً در مشهد ناشناخته باقی ماند. نام جد اعلای ما در کتاب ناسخ‌التواریخ هست که اهل مجاهدت دینی و اجتماعی بودند و به قتل علی‌محمد باب فتوا داده بودند. افرادی در وادی عرفان و انسان‌های متخلقی هستند، اما فرد اکمل و اعلا کسی است که مکارم اخلاق داشته باشد. همواره به طلاب هم توصیه می‌کردند: از دقایق عمرتان استفاده کنید... و خودشان هم همینطور بودند. در تمام عمر شریفشان، ایشان را یا در حال مطالعه می‌دیدیم یا در حال عبادت یا در حال خدمت به مردم و تدریس. مقدار کمی از وقتشان هم، صرف استراحت می‌شد...»

حضور مداوم در میدان مبارزات انقلاب اسلامی، در مشهد

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدرضا حسینی آملی، از علاقه‌مندان و مرتبطان با آیت‌الله سیدعزالدین حسینی زنجانی، یکی از وجوه مهم در شخصیت آن اندیشمند نامور را برخورداری از بینش نافذ سیاسی و وی را در زمره فعالان مبارزات منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در مشهد، قلمداد می‌کند. وی در تبیین این مهم می‌گوید:

«نخستین‌بار مرحوم آیت الله زنجانی (رضوان‌الله تعالی علیه) را قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در زمانی که به کوچه مسجد رانندگان مشهد تشریف آوردند و در آنجا تدریس را شروع کردند، زیارت کردم. در آن دوره، در درس مرحوم منجی شرکت می‌کردم و به مباحث عقلی هم علاقه داشتم. ایشان شب‌ها در منزلشان در همان کوچه رانندگان تدریس می‌کردند و من با چند تن از دوستان به زیارت ایشان رفتم، ولی دیگر تا پس از انقلاب، توفیق زیارت ایشان دست نداد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از زمانی که با مرحوم استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی ارتباط پیدا و درس و بحث خود را با ایشان شروع کردم، به دلیل فضای حاکم بر حوزه مشهد - که همچنان نیز وجود دارد - این احساس برای بنده پیش آمد که ضرورت ایجاب می‌کند تا کسانی که به این رویکرد اعتقاد دارند، با یکدیگر اتحاد و انسجامی داشته باشند. بنده در ایجاد این انسجام، فعال بودم. آیت‌الله زنجانی در ابعاد مختلف علمی و حتی در بعد سیاست، بینش دقیقی داشتند و بخش قابل توجهی از آن را مرهون ارتباط با حضرت امام می‌دانستند. علاوه بر این در دوران حضور در قم، با شخص ایشان هم رابطه نزدیکی داشتند. ایشان نقل فرمودند: در اوایل طلبگی در قم، دچار بیماری حصبه می‌شوند. وقتی امام از موضوع باخبر می‌شوند، سفارش اکید برای آوردن پزشک می‌کنند و در برخی از موارد، از جمله تهیه دارو یا حتی تدارک رختخوابی مناسب برای بیمار، متکفل کارهای ایشان می‌شوند. امام به آیت‌الله زنجانی توجه خاصی داشتند، زیرا ایشان بسیار خوش‌فکر و فهیم بودند. مرحوم آیت‌الله زنجانی هم همواره چه در مشهد چه در زنجان، از امام حمایت کامل می‌کردند و در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، همواره در میدان مبارزات بودند و حمایت از امام و انقلاب را به عنوان یک واجب شرعی قلمداد می‌کردند. ایشان پس از رحلت امام همچنان به حمایت خود از نظام اسلامی و رهبر معظم انقلاب ادامه دادند. یکی از تبعات حالت مرجع برای مردم داشتن، این است که در خانه آن شخصیت دینی و علمی، به روی همه باز است و در واقع پناه و امین مردم هستند. اسراری را که زن و شوهرها به هم نمی‌گویند به یک عالم می‌گویند، زیرا او را امین مردم می‌دانند. چنین حسن اعتمادی، باید حفظ شود و مردم باید اهل علم را بهترین افراد بدانند و این میسر نمی‌شود، مگر اینکه رجال دینی و روحانی ما، خلق الهی داشته باشد و منشأ ایجاد خلق الهی، پایبندی شدید به آموزه‌های دینی است. احکام، مقدمه عمل هستند و عمل، نیازمند خلق نیک است. مرحوم آیت‌الله زنجانی، حقیقتاً در برابر مردم متواضع و برای آنان، دست کمک کننده بودند. به همین دلیل هم، محبوبیت بسیاری داشتند. تشییع پرشور آن بزرگوار در مشهد و مجالسی که به مناسبت رحلت ایشان در سراسر ایران و حتی جهان برگزار شد، شاهدی بر این مدعاست...»

حجت‌الاسلام سیدمحمدباقر زنجانی: «ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی حضرت امام به امامت جمعه زنجان منصوب شدند. در زنجان فردی با تفنگ ژ-۳، به جان ایشان سوءقصد کرد. چند سال بعد که او پشیمان شد و برای عذرخواهی آمد، مرحوم والد حتی به روی او نیاوردند و هرگز نخواستند از این واقعه، برای اثبات و کسب عنوان برای خودشان استفاده‌ای ببرند. ایشان قلباً آموزه‌های دینی را تصدیق کرده و انصافاً در طول زندگی، زحمت کشیده و به خود ریاضت‌های شرعیه فراوانی داده بودند....»

او تمایلی به مطرح‌کردن خویش نداشت

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمجتبی معاون‌زاده غزنوی از شاگردان آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی، در اشارات ذیل، به عنصر زهد در زندگی آن عالم خدوم اشاره برده است. به باور وی، همت استاد فارغ از مظاهر و تجلیات دنیا و تنها معطوف به دینی‌تر کردن دنیای مردم بود، امری که مهم‌ترین هدف یک مروج دین است

«شخصیت مرحوم آیت‌الله زنجانی (اعلی الله مقامه)، آنگونه که در بین خواص مطرح بود، در بین عامه مردم نبود. علت هم این بود که خود ایشان، تمایلی به مطرح‌شدن نداشتند. این نکته، رهیافت مناسبی به شناخت سیره و منش ایشان است. علاوه بر این، آن بزرگوار به‌رغم اینکه تظاهر به زهد نمی‌کردند و حتی از نظر ظاهر زندگی، موجه و برخوردار به نظر می‌رسیدند، اما به واقع برای دنیا و تجلیات آن، ارزشی قائل نبودند. نحوه خرید یک ساختمان کلنگی قدیمی و تبدیل آن به این ساختمان جدید در اواخر عمر، کاملاً بیانگر این نکته است که ایشان، به مظاهر دنیا توجهی نداشتند. یک روز قبل از ظهر بود که طبق معمول، برای درس خدمت ایشان رفتیم، دیدیم که خانه کلنگی و دو طبقه‌شان، سقف ندارد. در واقع بخشی از سقف اتاق ورودی، ریخته بود. ایشان به اصرار یکی از دوستان، سرانجام تصمیم به بازسازی خانه گرفتند و من می‌دانم که برای این کار، وام دریافت کردند و نهایتاً هم، هیچ دخل و تصرفی در مدیریت ساخت این خانه نداشتند. ایشان در فاصله‌ای که خانه ساخته می‌شد، در جای دیگری اقامت کردند و در مدت ساخت خانه، فقط یکی دو بار به آنجا سر زدند. یکبار من همراهشان بودم و دیدم که در حیاط، آجرهای یک حوض فانتزی را چیده‌اند. حاج‌آقا دستور دادند آن را خراب کنند و حوض ساده‌ای بسازند و فرمودند: حاضر نیستم اعصاب خود را خرج این نوع تشریفات کنم... در مجموع، هرگز ندیدم ایشان وارد قیل و قال‌های دنیایی شوند و نسبت به اینگونه مسائل، بسیار بی‌اعتنا بودند. همواره می‌فرمودند: به فرمایش حضرت علی(ع)، همیشه همتت را مشغول یک کار کن، ابتکار در همت به یک امر واحد است و آن چیزی هم ارزش چنین همتی را دارد، توجه به خدا و اهل‌بیت(ع) است و بس... با اینکه همیشه یک رجل سیاسی آگاه بودند، ابداً به اینکه چه کسانی از منافع دنیوی بهره‌مند می‌شوند، توجه نمی‌کردند. با اینکه سابقه مبارزاتی و زندان و تبعید داشتند، ذره‌ای گرفتار دنیا نبودند و همواره به دنبال احیای دنیای دینی بودند. برای احیای دنیاداری دینی به زحمت افتادند، ولی هرگز گرفتار مطامع دنیوی نشدند. با این همه به عنوان یکی از پیشگامان انقلاب و تأسیس نظام اسلامی، همواره در تظاهرات ۲۲بهمن، روز قدس و... حضور پیدا می‌کردند. با شنیدن نام حضرت زهرا(س) یا حضرت ابا عبدالله(ع)، اشک در چشم‌شان جمع می‌شد و هیچ نوشته‌ای از ایشان پیدا نمی‌کنید که در آن توسل به حضرت حجت(عج) وجود نداشته باشد. ایشان ذهنشان را به کم و زیاد دنیا مشغول نمی‌کردند و تا آخر عمر، شئون علمی خود را وا نمی‌گذاردند...»

او با کردار خویش، مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌داد

حجت‌الاسلام والمسلمین علی سائلی، از دیگر شاگردان زنده‌یاد آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی است. وی به رغم بهرمندی علمی از آن استاد ذوالفنون، بر این باور است که وی با رفتار و اخلاق خویش، مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌داد. امری که در روایات وارده از معصومین نیز مورد تأکید قرار گرفته است:

«ایشان با لطف و محبت زیادی به پرسش‌های همه، مخصوصاً جوانان پاسخ می‌دادند و حتی گاهی تلفن می‌زدند و فرد را به سبب طرح سؤالات هوشمندانه، مورد تشویق قرار می‌دادند. این ویژگی باعث می‌شد که شاگرد، علاقه عمیقی به ایشان پیدا کند. من از جمله کسانی بودم که سر کلاس زیاد سؤال می‌کردم، با این همه هیچ وقت از ایشان، برخورد تندی ندیدم. هرگز ندیدم که ایشان در بحث‌های علمی، بخواهند به دلیل تسلط به موضوعات مختلف، مطلب غیردقیقی را اثبات کنند. در ۱۰ سال اول، تقریباً تمام روزهای هفته را در منزل و در مسجد در خدمت ایشان بودم و جز خاطرات شیرین و نکات عالی تربیتی و مباحث درسی حوزوی، چیزی ندیدم. بیش از قدرت و احاطه فکری و علمی ایشان بر علوم مختلف، رفتار و سلوک کم‌نظیرشان بر شاگرد و مخاطب تأثیر می‌گذاشت. بنده هرگز در رفتار ایشان، تکلف و تصنع ندیدم. هر چه بود، صفا، صمیمیت، خوش‌خلقی و صبوری بود. شکیبایی بی‌حد و اندازه ایشان، به‌گونه‌ای بود که هرگز از اشکالات و پرسش‌های مکرر ما اظهار خستگی نکردند. یکبار ایشان در ماه مبارک رمضان، به بنده امر فرمودند که پس از نماز ظهر و عصر، در مسجد ایشان منبر بروم. بنده عرض کردم: جسارتاً می‌پذیرم، به شرط اینکه حضرت‌عالی از یادآوری نکات تکمیلی و ارشادات لازم، دریغ نفرمایید. نکاتی که ایشان از آیات و روایات به بنده گوشزد می‌فرمودند، در زمره بهترین و عملی‌ترین درس‌هایی است که در زندگی گرفته‌ام. در این فرصت کم، نمی‌توان تمام ویژگی‌های علمی ایشان را برشمرد، اما در طی سال‌های طولانی که از محضر ایشان فیض بردم، یک نکته را همیشه تکرار می‌کردند و آن هم، مظلومیت ادعیه شیعه بود. ایشان معتقد بودند که یکی از راه‌های درست و مفید تفسیر قرآن، درک معارف بلند و ناب تفکر اسلامی، در ادعیه شیعه است. بنده این افتخار را داشتم که چند بار، ایشان را به مدرسه علمیه جامعه‌الرضویه دعوت کردم. ایشان در این سخنرانی‌ها، بر این نکته تأکید داشتند. از سوی دیگر آن بزرگوار، با اینکه در فلسفه استاد و صاحب‌نظر بودند، اما هرگز فلسفه را به عنوان قول مطلق نپذیرفتند و با تعصب از آن دفاع نکردند. ایشان فلسفه تدریس می‌کردند، اما مشکلات و انتقادات را هم بدون موضع ویرانگر و تخریبی بیان می‌کردند. ایشان همواره در پی اصلاح و تکمیل دیدگاه‌های علمی بودند. نسبت به عرفان هم، همین موضع را داشتند و با اینکه بسیاری از ابیات مثنوی را حفظ بودند و در درس‌ها یا سخنرانی‌ها به تناسب از آنها استفاده می‌کردند، اما علاقه ایشان به عرفان و مخصوصاً مثنوی، هرگز موجب نشد که موازین علمی و منطقی را نادیده بگیرند یا در موردی تعصب به خرج بدهند. ذهن بسیار جامع، منطقی و معتدلی داشتند و این روحیه را از دوره طلبگی تمرین و با تجربه‌های علمی و عملی تقویت کرده بودند و در هر بحثی که وارد می‌شدند، این ویژگی‌ها در آنها آشکار بود...»